

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۳ آبان ۱۴۰۱

موضوع جزئی: آیه ۴۸ - ارتباط آیه با آیه قبل - توضیح اجمالی آیه -

مصادف با: ۲۸ ربیع الاول ۱۴۴۴

زمینه این انذار - هدف از انذار

جلسه: ۴

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

آیه ۴۸

آیه ۴۸ این است: «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ». می فرماید بپرهیزید از روزی که هیچ کسی از دیگری جزا داده نمی شود - یعنی عقاب فقط متوجه خود عامل و فاعل است - و هیچ شفيعی برای کسی و از کسی پذیرفته نمی شود و فدیة و مالی به جای عقاب و عذاب پذیرفته نمی شود و هیچ ناصر و پشتیبانی هم وجود ندارد.

ارتباط آیه با آیه قبل

ارتباط این آیه با آیه قبل روشن است؛ همانطور که قبلاً گفته شد در آیه ۴۷ امر به یادآوری نعمت‌هایی شد که به بنی اسرائیل ارزانی شده و مخصوصاً برتری که بر عالمیان پیدا کردند، خدا امر کرد که اینها یادتان بیاید، یادآوری نعمت کنید؛ این در حقیقت یک هشدار است. در کنارش یک تخویف و ترساندن و انذار، می فرماید من این همه به شما نعمت دادم، شما را بر عالمیان برتری دادم، اما شما در عوض چه می کنید؟ کأن می خواهد آنها را از رفتاری که در مقابل دین اسلام و پیامبر(ص) در پیش گرفته اند، برحذر دارد و بترساند. لذا می گوید «وَأَتَقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»، از روزی بترسید که چهار تا ویژگی و خصوصیت در آن هست که ما اینها را یک به یک شرح خواهیم داد. ۱. «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»؛ ۲. «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ»؛ ۳. «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ»؛ ۴. «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ». از چنین روزی برحذر باشید و بترسید. پس این هشدار و انذار و تخویف به بنی اسرائیل و قوم یهود به خاطر عنادی بود که با دین اسلام و پیامبر(ص) داشتند و از روی لجاجت این حقیقت‌ها را انکار می کردند. لذا خداوند به اینها یادآوری می کند که ببینید چه بودید، من چه نعمت‌هایی به شما دادم و شما را قوم برتر قرار دادم، اما شما در مقابل چه می کنید؛ ولی بترسید از روزی که هیچ یک از اینها به حال شما سودی نخواهد داشت.

زمینه این انذار

این یک توضیح کلی راجع به این آیه است. اما آن زمینه‌ای که باعث شد خداوند تبارک و تعالی امر به تقوای نسبت به معاد داشته باشد، دقیقاً متناسب با پندارهای باطلی بود که بنی اسرائیل داشتند. در ظرف ذهنی و فکری آنها این آیه معنای روشن‌تری پیدا می کند. بنی اسرائیل و یهود به واسطه همان گمانی که داشتند و خود را قوم برتر می دانستند و اینکه خداوند این همه نعمت به آنها داده و این همه انبیاء و رسل از قوم آنها مبعوث شده، این همه معجزات در قوم آنها رخ داده و نعمت‌های ظاهری و باطنی و معنوی فراوانی که داشتند، دچار یک توهم شده و گمان می کردند که وقتی در دنیا خداوند چنین نعمتی به آنها داده و آنها را برتر بر دیگران قرار داده، بر همین وزان در آخرت هم همینطور است. گمانشان این بود که مگر می شود قوم برتر و قومی که خدا به آنها ملک و

مکنت و قدرت و ثروت و نعمت‌های فراوان مادی و معنوی داده، اینها در روز قیامت از این نعمت‌ها محروم شوند؟! مگر می‌شود که در دنیا خداوند این همه به یک قومی رحمت و لطف و محبت و عنایت داشته باشد اما در آخرت این چنین نباشد؟! لذا گمانشان این بود که یا به طور کلی در قیامت اینها عذابی نخواهند داشت یا اگر عذاب هم باشد، یک عذاب مختصری است که برطرف می‌شود. «وَقَالُوا لَنْ نَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً»، اینها می‌گفتند فو قش چند صباحی آتش ما را در برمی‌گیرد و بعد خلاص می‌شویم. چنین پنداری در بین آنها حاکم بود. آنها با معیارهای دنیایی در مورد آخرت قضاوت می‌کردند.

آن معیارهای دنیایی که براساس آن قضاوت در مورد آخرت هم داشتند چه بود؟ این شاید در فضای ذهنی اعراب در آن زمان مخصوصاً این چنین بود که اگر برای یکی از آنها مشکلی پیش می‌آمد، به انحاء مختلف در صدد حل مشکل برمی‌آمدند؛ اصلاً فرهنگ اعراب در آن دوران این چنین بود. بالاخره آن حمیت عربی اقتضا می‌کرد که در مشکلات به همدیگر یاری کنند. آن وقت برای حل این مشکلات مخصوصاً در جایی که پای خویشاوندی و قبیله در میان بود، اول از راه نرم و با ملایمت می‌خواستند قصه را حل کنند؛ اگر نمی‌شد، با خشونت یا بالعکس، اول با خشونت می‌رفتند و اگر نمی‌شد با نرمی. در مرحله سوم از راه فداء دادن، پول دادن، عوض دادن، به عنوان جبران آن خطایی که اتفاق افتاده بود و اگر هیچ کدام از اینها جواب نمی‌داد، می‌رفتند ناصران و پشتیبانانی را در جاهای مختلف جمع می‌کردند. به هر حال امیدوار بودند به حل مشکلاتی که در دنیا برای آنها پیش می‌آمد، یا از راه جنگ و تندی و خونریزی، یا با محبت و ملامت، یا با پول یا با جذب کمک‌ها و پشتیبانی‌های دیگران. این در حقیقت یک فرهنگ و ممشائی را برای آنها شکل داده بود. لذا عرب‌ها که کلاً اینطور بودند، مخصوصاً بنی اسرائیل با توجه به آن سابقه و پیشینه، یک امیدواری‌های مضاعفی داشتند. عرض کردم که خودشان را قوم برتر می‌دانستند با نعمت‌هایی که خدا به آنها داده بود، بالاخره یک شرافت و امتیازی برای خودشان قائل بودند. شما حساب کنید آن جماعت و با این فرهنگ، راجع به آخرت چطور فکر می‌کردند. طبیعتاً محصول چنین تفکری نسبت به آخرت این است که ضوابط و معیارهای آخرت هم مثل همین جاست. بالاخره خدا اولاً آنجا این نعمت‌ها و الطاف و محبت‌ها را به این قوم برتر امکان ندارد رها کند؛ بعد هم اگر بکند، محدود و کم است و تازه بالاخره آنجا هم یا با فداء یا با این و آن را دیدن و جذب پشتیبانی دیگران یا بالاخره به یک طریقی مشکلات آخرت هم حل می‌شود.

در این ظرف روحی و فضای فکری، دقیقاً آیه می‌خواهد بگوید این خبرها نیست. «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»، در اینجا «یوم» مفعول است، ظرف نیست؛ یعنی پرهیز کنید روزی را، اتقاء الیوم، از آن روز بپرهیزید. مسأله تقوا و امر به تقوا در قرآن یا راجع به خداست یا راجع به معاد. «اتقوا الله» در قرآن زیاد داریم، آنجا امر شده به خود نگهداری نسبت به خداوند، پرهیز و نگهداری خویشتن، خود کنترلی نسبت به دستورات خداوند. یک مورد هم امر به تقوا در مورد معاد است؛ یک نمونه‌اش همین «و اتقوا یوما» است؛ به جای اینکه بگوید «اتقوا الله»، می‌گوید «اتقوا یوما». یعنی تقوا یا نسبت به مبدأ یا نسبت به معاد؛ انسان خودش را مواظب باشد، خدا را در نظر بگیرد و مراقب باشد، یا معاد را در نظر بگیرد و مواظب باشد. اینجا اتقاء الیوم، پرهیز کردن نسبت به آن روز مطرح شده است؛ خداوند می‌فرماید «و اتقوا یوما» آن روز را بپرهیزید و مراقب باشید. آن روز مگر چیست که خداوند

می‌فرماید «و اتقوا یوماً»؟ چهار خصوصیت را برای آن نقل می‌کند؛ و دقیقاً این چهار خصوصیت متناسب و متناظر با آن نگاهی است که آنها به آخرت و روز قیامت و معاد داشتند و دقیقاً همان مناسباتی که اینها در دنیا بین خودشان حاکم بود را در مورد روز قیامت هم فکر می‌کردند حاکم است؛ خداوند دقیقاً با این تفکر و نگاه مقابله می‌کند.

ویژگی‌های چهارگانه روز قیامت

۱. «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»، هیچ کسی به جای دیگری عذاب نمی‌شود. آنجا مثلاً در بین اعراب محبت‌های پدری و فرزندی اقتضا می‌کند که بگوید به جای این مرا مجازات کن؛ خیلی وقت‌ها این محبت‌ها باعث می‌شود که مثلاً افرادی که به هم علاقه‌مندی‌های فراوان دارند، خودشان را سپر بلای دیگران کنند، مادر نسبت به فرزند، پدر نسبت به فرزند یا بالعکس، فرزند نسبت به مادر یا فرزند نسبت به پدر؛ در دنیا این اتفاق می‌افتد عده‌ای اینطور هستند، عده‌ای هم نیستند، خیلی‌ها دیگران را فدا می‌کنند تا خودشان محفوظ بمانند. در دنیا اینطور است، یک عده خودشان را سپر بلای دیگران می‌کنند، حالا روی علاقه و عشق و محبت، حالا این عشق و علاقه ممکن است خونی باشد، نسبی و سببی، یا یک معیارهای دیگری حاکم باشد. لذا اینجا ممکن است بشود در دنیا مجازات را از کسی بردارند و متوجه دیگری کنند. اما در قیامت اینطور نیست؛ می‌فرماید «وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا»، هیچ کسی از ناحیه دیگری، به جای دیگری، جزا داده نمی‌شود.

۲. «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ»؛ شفیع و واسطه از کسی قبول نمی‌شود. این اصل اولی است؛ این دنیا بالاخره واسطه مؤثر است، این را ببیند، پارتی و دوست و رفیق، این دفعه کوتاه ببیند، این چیزها پیش می‌آید، اما آنجا می‌فرماید «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ»، هیچ کسی نمی‌تواند برای دیگری واسطه شود. البته یک بحثی در مورد شفاعت خواهیم داشت که چطور بین این آیه و آیاتی که دال بر شفاعت است، بله، اینجا می‌گوید «وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ»، یعنی لا یقبل من نفس، از هیچ کسی شفاعت پذیرفته نمی‌شود؛ هیچ کسی نمی‌تواند برای دیگری واسطه شود. البته آیاتی هم داریم که آنها را هم باید دید، مثل «إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضِي» یا «إِلَّا لِمَنْ أَدْنٰ لَهُ»، مگر کسانی که خداوند اذن داده است؛ در این باره ان شاء الله بیشتر بحث خواهیم کرد.

۳. «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ»، باز در دنیا فداء دادن، معادل دادن، مبدل کردن جزا به جزای نقدی متعارف است؛ این هم در مجازات‌های قراردادی و کیفرهای قراردادی یک امر متعارفی است که مثلاً مجازات و عقاب و زندان و کیفرهای این چنینی را مبدل به فدیة کنند. یا مثلاً فرض کنید که کسی دیگری را کشته و باید قصاص شود، ولی دم رضایت می‌دهد که دیه بگیرد؛ چه در آنجایی که اولاً و بالذات دیه و فداء مقرر شده و چه در جاهایی که ثانیاً و بالعرض این فداء و دیه معین شده است. بالاخره در دنیا حتی خارج از چهارچوب‌های احکام شرعی، در مناسبات بین اقوام و مردم، این مسأله وجود دارد که بالاخره گاهی با تبدیل مجازات به مال، مسأله تمام می‌شود. اما این در آخرت چنین چیزی وجود ندارد. «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ»، هیچ عدلی و هیچ فداء و پولی جای عذاب را نمی‌گیرد؛ آنجا دیگر جایگزین ندارد، چه مال و فدیة و چه غیر آن.

۴. «وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ»، ویژگی چهارم این است که در آن روز هیچ یاری نمی‌شوند، ناصر و پشتیبانی ندارند، هیچ کسی نمی‌تواند آنها را یاری کند.

این چهار ویژگی را خداوند تبارک و تعالی برای آن روز ذکر کرده و برای همین است که می‌گوید «وَاتَّقُوا يَوْمًا»، بترسید و بپرهیزید، حالا با همان معنایی که اثناء دارد، بپرهیزید و بترسید از روزی که هیچ کسی به جای دیگری عقاب نمی‌شود، هیچ واسطه‌ای پذیرفته نمی‌شود، هیچ جایگزین مالی و مثل آن برای عذاب نیست و هیچ پشتیبانی وجود ندارد.

این هشدار به بنی اسرائیل که ذهنشان مملو از گمان‌های نادرست و تصور اینکه در روز قیامت هم مثل دنیا، هم مشمول رحمت و مغفرت و لطف خداوند هستند، چون نژاد و قوم برتر محسوب شده‌اند و هم اینکه عذاب‌های محدود و موقتی به خاطر این چیزها تمام می‌شود و اساساً تصورشان این است که چون اینها آن برتری‌ها را دارند، پس روز قیامت هم می‌توانند از ابزارهایی که در این دنیا بهره‌مند بودند و به واسطه آن خودشان را حفظ کردند، روز قیامت هم از همان ابزارها کمک بگیرند و این را از خودشان دور کنند؛ اما خداوند می‌فرماید این چنین نیست و این پندار باطل را به شدت نفی می‌کند.

هدف از انذار

یک هدف مهمی هم خداوند از این انذار و تخویف دارد. مجموع آیه ۴۷ و ۴۸ در حقیقت همانطور که گفتیم هم می‌خواهد بنی اسرائیل را ترغیب کند به اینکه پیامبر(ص) را بپذیرید، نبوت پیامبر(ص) را مورد پذیرش قرار دهید، دین اسلام را بپذیرید، خودتان را در مسیر طاعت الهی قرار دهید و از گناه و معصیت و از عناد با پیامبر و دین خدا دوری کنید که روزی خواهد رسید که به شدت مستأصل و درمانده خواهید شد، چون هیچ راهی برای خروج از مشقت‌ها و مشکلات در برابر شما گشوده نیست. پس در حقیقت با آیه ۴۸ و این بیان، خداوند متعال به نحو بسیار اکید آنها را دارد از مسیر گمراهی و معصیت و گناه که در آن گام گذاشته‌اند، آنها را برحذر و باز می‌دارد و از پندارهای باطل خودشان می‌خواهد دور کند. این یک توضیحی بود راجع به آیه و ارتباط آن با آیه قبل و ظرف ذهنی که مخاطبان این آیه داشتند و هدفی که خداوند از این آیه تعقیب کرده که پندارهای باطل آنها را کنار بگذارد.

همانطور که قبلاً هم گفتیم، این آیه و پیام این آیه و این هشدار، مختص به بنی اسرائیل و قوم یهود نیست؛ همگان با این هشدار مواجه هستند، چه یهود و چه غیر یهود، حتی مسلمین و حتی مؤمنان که گمان نکنند اگر در دنیا در شرایطی عزیز شدند و مورد لطف و مشمول محبت و رحمت و عنایت خداوند قرار گرفتند، و خداوند آنها را به یک مرتبه‌ای رساند، این مرتبه و موقعیت و شأن همیشه محفوظ می‌ماند؛ اگر مثل یهود راه انحراف و معصیت را پیش بگیرند «ضربت عليهم الذلة والمسكنة»، این یک حقیقت است. همه ما باید مراقب و هوشیار باشیم. در آخرت هم همه باید حواسمان باشد، این چهار خصوصیت روز قیامت را در نظر بگیریم، مواظب باشیم معصیت نکنیم، اگر گناه کردیم توبه کنیم؛ چرا؟ چون روزی را در پیش داریم که «لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ»، اصل این است، چون معلوم نیست که شفاعتی که اجازه داده شده، شامل حال ما شود؛ نه باید ناامید باشیم و نه خیلی امیدوار. «وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ».

«والحمد لله رب العالمين»